

نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)

* جعفر هزارجریبی

** سجاد مرادی

E-mail: jafar_hezar@yahoo.com

E-mail: sajadmoradi62@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۲۷

چکیده

نشاط اجتماعی یکی از مؤلفه‌های مهم رفاه اجتماعی به شمار می‌رود که با پیدایش نظریه‌های جدید در توسعه و تأکید بر توسعه انسانی با محوریت سلامت و چرخش در تعریف سلامت از تعاریف سلبی (فقدان بیماری) به تعاریف ایجابی (وجود شرایط اجتماعی و روانی مثل نشاط) به‌عنوان یک مقوله محوری در سیاست‌گذاری‌های عمومی و رفاهی پدیدار شده است. با توجه به سطح متوسط نشاط اجتماعی در جامعه ما بر مبنای تحقیقات موجود و نیز شواهد و قرائن تجربی، تحقیق حاضر، مسئله نشاط اجتماعی را مد نظر قرار داده و پس از بررسی ادبیات نظری و متون تجربی و دیدگاه‌های مختلف، به آزمونی تجربی در بین دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی دست زده است. در بخش ادبیات نظری، دیدگاه‌های مربوطه در سه بخش: نظریه‌های جامعه‌شناسی، نظریه‌های جامعه‌شناسی تاریخی ایران و دیدگاه ایرانی - اسلامی مورد کندوکاو قرار گرفته و با مرور پژوهش‌های پیشین، چارچوب نظری تحقیق تدوین شده و متغیرهای اصلی تحقیق (اعتماد اجتماعی، امنیت هستی‌شناختی، دینداری، شبکه روابط خویشاوندی و احساس امنیت) استخراج شده و بر مبنای آنها فرضیه‌های تحقیق تدوین شده‌اند. تحقیق به روش پیمایش و در میان دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی با حجم نمونه ۱۷۰ نفر و با ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. نتایج، وجود رابطه معنی‌دار و مثبت میان متغیرهای دینداری (در بعد پیامدی)، امنیت هستی‌شناختی، اعتماد اجتماعی و گستره روابط خویشاوندی با متغیر نشاط اجتماعی را نشان می‌دهند.

کلید واژه‌ها: نشاط اجتماعی، اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، دینداری، شادی در هویت ایرانی.

** استاد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول

** دانشجوی دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی

مقدمه

شادی و نشاط به‌عنوان یکی از احساسات ریشه‌ای مثبت و یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان، نقش تعیین‌کننده‌ای در تأمین سلامت فرد و جامعه داشته و از آنجایی که شادی همواره با خرسندی، خوش‌بینی و امید و اعتماد همراه است، می‌تواند نقش تسریع‌کننده‌ای در فرایند توسعه جامعه داشته باشد. مسئله نشاط اجتماعی از دو جنبه بسیار مهم، به‌عنوان یک مسئله اجتماعی و رفاهی قابل طرح و تأمل است:

اول، تأکید نظریه‌های نوین توسعه بر نقش نیروی انسانی و سلامت در توسعه. امروزه باور اساسی بر آن است که در مورد یک ملت تنها با رشد اقتصادی نمی‌توان قضاوت کرد، بلکه احساس خشنودی، امنیت، رضایت اجتماعی و شادمانی مردم نیز مهم است. (خیراله‌پور، ۱۳۸۵: ۱۲۸). در این میان شادمانی و رضایت مردم از زندگی به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه مطرح است. نظریه‌های نوین توسعه، پیشرفت هر جامعه را در گرو استفاده بهینه از نیروی انسانی آن جامعه می‌دانند. بر همین مبناست که از سال ۲۰۰۰ به بعد در نگاه سازمان ملل برای تعیین سطح توسعه‌یافتگی کشورها، متغیرهای شادکامی، امید به آینده، خشنودی و رضامندی افراد جامعه نیز به‌عنوان یک متغیر کلیدی وارد محاسبات شده است (هزار جریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۳۲). در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی نیز، با درک اهمیت این موضوع، بر لزوم توجه به نیروی انسانی سالم و فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی استعداد‌های انسانی و پرورش انسان‌های سالم، کارا، متعهد و با نشاط تأکید شده است.

دوم، تغییر در تعریف سلامت (چرخش از تعاریف سلبی به سمت تعاریف ایجابی). از دهه ۱۹۸۰ به بعد در تعریف سلامت تغییر و تحول بسیاری پدید آمده است و متون مرتبط با روان‌شناسی سلامت و جامعه‌شناسی تنها به جنبه‌های منفی و رفع آثار منفی در افراد انسانی و جامعه محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد گسترده‌تری پیدا کرده است. در تعریف سازمان بهداشت جهانی از سلامت نیز بر جنبه مثبت آن تأکید شده است و فردی واجد سلامت شناخته می‌شود که به لحاظ زیستی، روانی و اجتماعی از شرایط معینی برخوردار باشد. ویژگی مهم روانی، که فرد واجد سلامت می‌بایست از آن برخوردار باشد، احساس نشاط و احساس رضامندی عمومی از زندگی است که شامل خود و دیگران در حوزه‌های مختلف خانواده، شغل و... می‌شود (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۱: ۳۳۰). در نتیجه، با مطرح شدن روزافزون اهمیت شادی در امر سلامتی

روان و خوشبختی و هم‌چنین تأثیر آن در تقویت قوای روانی انسان برای مقابله با پیچیدگی‌ها و مشکلات دنیای امروز، توجه و نظر محققان و اندیشمندان و حتی عوام نسبت به آن تغییر کرده است، چرا که طبق نتایج تحقیقات موجود، شادی صرف‌نظر از چگونگی کسب آن می‌تواند سلامتی جسمانی را بهبود بخشد (مایرز، ۲۰۰۲: ۴۸۱).

ضرورت و اهمیت پژوهش

در توجیه ضرورت پژوهش حاضر، می‌توان به دو مسئله اشاره کرد: اول این‌که، یکی از مهم‌ترین اصول در حوزه مدیریت منابع انسانی، توجه به مقوله شادی و نشاط انسان‌هاست، زیرا انسان با نشاط، انسانی کارا، مولد، مبتکر و سازنده است و همین اعمال مثبت به سلامت فیزیکی و روانی او نیز کمک شایانی خواهد کرد. آن‌گونه که در طرح مسئله نیز عنوان شد، نظریه‌های نوین توسعه، پیشرفت هر جامعه را در گرو استفاده بهینه از نیروی انسانی آن جامعه می‌دانند و در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی نیز بر لزوم توجه به نیروی انسانی سالم و... و با نشاط تأکید شده است. بنابراین هرگونه برنامه‌ریزی توسعه و سیاست‌گذاری فرهنگی مستلزم بذل توجه به مقوله شادی و نشاط است. اما در نظر گرفتن این مقوله، نیازمند شناخت و بررسی دقیق و علمی آن است و از این منظر پژوهش حاضر و نیز پژوهش‌های مشابه ضرورت می‌یابند. مسئله دوم، پیامدهای نشاط اجتماعی چه از بعد سلبی و چه از بعد ایجابی است. نتایج تحقیقات متعدد نشان می‌دهند که افرادی که شاد هستند احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند و نسبت به کسانی که با آنها زندگی می‌کنند بیشتر اظهار رضایت می‌کنند (مایرز، ۲۰۰۲: ۴۸۱؛ پترسون، ۲۰۰۰). وینهون (۱۹۹۳) در تأیید این مطلب می‌گوید: روان‌شناسان انسان‌گرا معتقدند که شادی فعالیت فرد را برمی‌انگیزد، بر آگاهی او می‌افزاید، خلاقیت وی را تقویت کرده و روابط اجتماعی را تسهیل می‌کند. اما کمبود یا فقدان شادی و نشاط اجتماعی نیز پیامدهای زیانبار متعددی به دنبال دارد که از مهم‌ترین آنها می‌توان به فرسایش استعدادها، انسانی و بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی اشاره کرد؛ چرا که وضعیت‌های اجتماعی نابسامان، ملال‌آور و پراضطراب یکی از عوامل اصلی توقف استعدادها و باروری خرد و اندیشه در یک جامعه است که می‌تواند روابط فرد با جامعه را مختل کرده، به تدریج نیروی انسانی را ضعیف کرده، قوای جسمی و فکری را فرسوده و انسان‌ها را برای قبول ضعف و ناتوانی آماده سازد، ناتوانی و وضعی که اثراتی ویران‌گر بر توسعه و تعالی دارد.

اما مسئله دوم، جنبه‌ای عینی‌تر داشته و از یک دیدگاه آسیب‌شناسانه مطرح می‌شود. شواهد عینی از نحوه ابراز شادی از سوی برخی افراد در جامعه کنونی ایران حاکی از بروز نوعی نگرانی در این مسئله است، شواهدی از قبیل شیوع رفتارهای غیرمجاز و آسیب‌زا در زمینه گذران اوقات فراغت و ابراز شادی نظیر رشد و گسترش مجالس معروف به اکس‌پارتی و پارتی‌های شبانه و نیز خوی خرابکاری و بروز رفتارهای نابهنجار در خلال جشن‌هایی مانند چهارشنبه‌سوری و .. به عبارتی، عدم تعریف روشن و واضح مرز بین رفتارهای مجاز شادی از رفتارهای غیرمجاز و غیرقانونی، از معضلات کنونی جامعه ایران بوده و دست‌اندرکاران مسائل اجتماعی، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان امور فرهنگی و نیز محافل علمی را به تفکر جدی واداشته است. از این‌رو، گریزی از طرح این پرسش نیست که راه‌حل‌های علمی و عملی خروج از این نگرانی کدامند؟ و روشن است که پاسخگویی به این پرسش مستلزم انجام تحقیقات علمی در این زمینه است، به نحوی که ضمن شناسایی راهکارهای خروج از وضعیت کنونی، راه‌حل‌های گسترش زمینه‌های نشاط و شیوه‌های بهنجار شادی، متناسب با عرف و سنت‌های جامعه ایرانی نیز، شناسایی شوند، مسئله‌ای که از دغدغه‌های تحقیق حاضر بوده و ضرورت انجام آن را توجیه می‌کند.

اما در سطحی کلان‌تر، نشاط اجتماعی رابطه‌ای تنگاتنگ و دوسویه با هویت ملی دارد. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مهم و تأثیرگذار هویت ملی، که البته تأثیر علی نیز بر تقویت هویت ملی دارد، وفاق و همبستگی اجتماعی است. به هر میزان که انسجام و همبستگی اجتماعی در جامعه افزایش یابد، شاهد تقویت و تحکیم هویت ملی خواهیم بود. نشاط اجتماعی از جمله متغیرهای مهمی است که می‌تواند موجب افزایش انسجام اجتماعی و احساس تعلق افراد به یکدیگر و به اجتماع کلان شود. از طرفی، هر چقدر میزان همبستگی اجتماعی بیشتر شود، به همان میزان نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد؛ چرا که دامنه روابط و پیوندهای اجتماعی افراد افزایش یافته؛ احساس امنیت روانی و اجتماعی، اعتماد اجتماعی و شبکه‌های حمایتی غیررسمی در جامعه گسترش می‌یابد و در نتیجه، آرامش، امید و مشارکت‌پذیری بالا می‌رود. نتیجه این همه نیز گسترش دامنه و عمق نشاط اجتماعی است. البته، همه این مسائل بر رفاه اجتماعی نیز تأثیر می‌گذارند، بدین صورت که وفاق و انسجام اجتماعی با تأثیرگذاری بر نشاط اجتماعی موجب تقویت احساس بهزیستی ذهنی و رفاه اجتماعی می‌شود. این رابطه را

می‌توان در قالب شکل زیر به تصویر کشید:



پیشینه پژوهش

در مجموع عمده تحقیقاتی که در زمینه شادی و نشاط در ایران صورت گرفته‌اند، غالباً در میان دانشجویان یا دانش‌آموزان بوده و با نگاه روان‌شناختی میزان شادی دانشجویان را اندازه‌گیری و ارزیابی کرده‌اند. آنچه در همه این مطالعات برجسته است گستردگی موضوعات، وارد کردن متغیرهای بی‌شمار در تحقیق یا دامنه وسیع عوامل مؤثر بر شادی است. اما در اکثریت این تحقیقات، فراتر از بررسی روابط آماری میان متغیرها، تحلیل دیگری از وضعیت نشاط اجتماعی در ایران ارائه نشده است. به‌طورکلی، در مجموع مطالعات صورت گرفته، عوامل بسیار زیادی بر شادی و نشاط تأثیرگذار بوده‌اند که می‌توان آنها را به پنج دسته ویژگی‌های روان‌شناختی (شخصیت، عزت نفس، برون‌گرایی و خلاقیت)، جمعیت‌شناختی (جنسیت، وضعیت تأهل و تحصیلات)، اقتصادی (درآمد، اشتغال، وضعیت مسکن)، فرهنگی (سرمایه فرهنگی، اعتقادات مذهبی، اوقات فراغت) و اجتماعی (شبکه تعاملات اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) تقسیم‌بندی کرد. برخی از تحقیقات نیز با نگاه جامعه‌شناختی صورت گرفته‌اند و به بررسی میزان شادی و نشاط و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند.

نتایج تحقیق ربانی و دیگران (۱۳۸۶) در شهر اصفهان نشان می‌دهد که میانگین شادی پاسخگویان معادل ۵۶/۲۳ بوده که تقریباً در حد متوسط قرار دارد. در تحقیق چلبی و موسوی (۱۳۸۷) در شهر تهران و سه شهر یزد، اردکان و میبد، میانگین شادمانی کل پاسخگویان هر ۴ شهر نمونه ۴۸/۶۰ بوده که کمی پایین‌تر از حد متوسط قرار دارد. هزارجریبی و آستین‌افشان (۱۳۸۸)، در تحقیقی در استان تهران به این نتیجه رسیده‌اند که میزان نشاط ۱۸ درصد از پاسخگویان کم و بسیار کم، ۵۴ درصد متوسط و ۲۸ درصد زیاد و خیلی زیاد بوده است. در تحقیق دیگری که توسط هزارجریبی و صفری شالی در سال ۱۳۸۹ در استان مرکزی انجام شده است، میزان شادکامی ۱۸/۶ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۶۱/۷ درصد در حد متوسط و ۱۹/۶ درصد در حد زیاد بوده

است. در تحقیق باصری (۱۳۸۹) که در ۱۱ استان کشور صورت گرفته است، میانگین نمره کل شادی پاسخگویان در معادل ۵۶/۱۹ بوده که در حد متوسط قرار دارد.

دهقانی و اکبرزاده نیز هر دو در سال ۱۳۹۰ در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی، به بررسی میزان شادی و عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. تحقیق دهقانی در بین دانشجویان دانشگاه‌های پلی‌تکنیک و علامه طباطبایی صورت گرفته و نتایج آن نشان می‌دهد که میزان شادی ۳۵ درصد از پاسخگویان پائین، ۳۷/۳ درصد متوسط و ۲۷/۸ درصد بالا بوده است. میانگین نمره شادی کل پاسخگویان ۴۴/۲ با دامنه بین ۱۷ تا ۷۴ بوده است. در تحقیق اکبرزاده (۱۳۹۰) نیز در بین جوانان شهر بابلسر میزان شادی ۳۲/۴ درصد پاسخگویان پایین، ۳۷/۶ درصد متوسط و ۳۰ درصد بالا بوده است. میانگین نمره شادی کل پاسخگویان ۵۸/۳ با دامنه بین ۲۴ تا ۹۵ بوده است.

در مجموع این تحقیقات، متغیرهای مقبولیت اجتماعی، امید به آینده، ارضاء نیازها، عدالت اجتماعی، پایبندی به ارزش‌ها، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی، همبستگی اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹)، سرمایه فرهنگی (و تمامی ابعاد آن)، اوقات فراغت و تمامی گونه‌های آن (فعالیت‌های علمی - فرهنگی، فعالیت‌های فرهنگی - هنری، فعالیت‌های تفریحی - سرگرمی، فعالیت‌های ورزشی، فعالیت‌های خانوادگی)، دینداری (ربانی و دیگران، ۱۳۸۶)، اعتماد، خوش‌بینی، ارضاء نیازهای مادی، استفاده از رسانه‌ها، فعالیت‌های تفریحی (دهقانی، ۱۳۹۰)، سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد اجتماعی (و بعد تعمیم یافته)، ارتباطات اجتماعی، سرمایه فرهنگی (و بعد عینیت یافته) (اکبرزاده، ۱۳۹۰) بر نشاط اجتماعی تاثیر مستقیم داشته‌اند و متغیرهای احساس محرومیت، انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی، آنومی، احساس ناامنی و غضب اخلاقی (چلبی و موسوی، ۱۳۸۷) به‌صورت معکوس بر نشاط اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند.

از مجموع نتایج تحقیقات انجام گرفته چند نکته کلی قابل استخراج است:

اول این‌که میزان نشاط اجتماعی در جامعه ما در مجموع در حد متوسط بوده است. این در حالی است که امروزه نشاط اجتماعی یکی از مؤلفه‌های اصلی رفاه و بهزیستی و یکی از شاخص‌های توسعه به شمار رفته و نقش بسیار مهمی در سلامت و پویایی اجتماعی ایفا می‌کند. بر همین مبناست که «در جوامع پیشرفته صنعتی که دولت از جمله اهداف خود را ارتقاء کیفیت زندگی مردم و فراهم آوردن زمینه‌های بهروزی مردم می‌خواند، تحقیقات شادکامی لازمه ارزیابی دولت از عملکرد خود و وقوف بر عوامل

نارضایتی مردم و تلاش برای زدودن یا کاهش آنهاست. نتایج چنین تحقیقاتی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی کاربرد دارد» و اعتقاد بر این است که «اگر منابع مادی فراوانی در جامعه باشد ولی مردم جامعه احساس شادکامی نداشته باشند، نوعی انفعال در مردم بوجود می‌آید که این خود امری ضد توسعه است.» (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۸۹: ۳۶).

دوم این‌که از میان ابعاد شادمانی و نشاط اجتماعی، بعد احساسی در وضعیتی مطلوب‌تر قرار داشته و میانگین شادی در بعد شناختی پایین‌تر است. بعد شناختی از خلال مقایسه وضعیت فرد با دیگران حاصل شده و فرد با مشاهده اوضاع افراد دیگر به ارزیابی وضعیت خود می‌پردازد. بالاتر بودن نمره بعد احساسی نشاط و پایین بودن بعد شناختی می‌تواند به این معنی باشد که افراد تا زمانی که به صورت کاملاً فردی به مسئله می‌نگرند ارزیابی مثبت‌تری از وضعیت خود دارند، اما هنگامی که به مقایسه خود با دیگران می‌پردازند، نگاه آنها تغییر یافته و ارزیابی‌هایشان به سمت قطب منفی حرکت می‌کند. این امر می‌تواند نشانه‌ای از احساس نابرابری و بی‌عدالتی و نیز افزایش روحیه آز و چشم و هم‌چشمی در جامعه کنونی ما باشد.

سوم این‌که، عمده متغیرهایی که در تحقیقات مرور شده بر روی افزایش یا کاهش میزان نشاط اجتماعی مؤثر بوده‌اند، متغیرهایی هستند که بیشتر صبغه ذهنی دارند و نقش متغیرهای عینی کمتر به چشم می‌خورد. بنابراین شاید بتوان گفت که نشاط اجتماعی بیش از آن‌که با اوضاع مادی افراد و جامعه در ارتباط باشد، با ذهنیت‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌های افراد مرتبط است و در واقع، برساخته می‌شود.

شادی، نشاط و هویت ایرانی - اسلامی

آنچه از فحوای متون، اسناد و کتب تاریخی برمی‌آید این است که شادی و نشاط اهمیت وافری در فرهنگ و زندگی مردمان ایران پیش از اسلام داشته است و منابع موجود حاکی از آن است که ایرانیان از گذشته‌های دور بر اهمیت نشاط در زندگی فردی و اجتماعی واقف بوده‌اند. مری بویس در توصیف ایران پیش از اسلام می‌گوید: در روزگاران کهن، ایران سرزمین نشاط و عبادت بود (بیکرمن، ۱۳۸۴: ۳۷۴). در آیین زرتشت نیز شاد بودن و نشاط داشتن از واجبات دینی است و اندوه از وجوه مشخصه اهریمن است (بیکرمن، ۱۳۸۴: ۳۴۹). هم‌چنین متون و منابع متعدد نشان می‌دهند که ایرانیان جشن‌های بسیاری داشته‌اند. آنها در هر ماه، تقارن نام روز و نام ماه را جشن

می گرفتند و در سال ۱۲ جشن بزرگ برپا می کردند. علاوه بر این جشن‌ها، جشن‌های نوروز، مهرگان، سده، تیرگان، یلدا، آذر، مزدگران (مژده گیران)، خرم روز، گاهنبارها، فروردینگان و بهمنجه از جشن‌های مهم محسوب می شدند. گاهنبارها از شش جشن تشکیل می شدند و به همراه نوروز، هفت جشن بزرگ و واجب دینی و ملی ایرانیان به شمار می آمدند (رستگار فسایی، ۱۳۸۱: ۵۸). بررسی متون و منابع نشان می دهد که مبنای شش جشن گاهنبار، صرفاً دینی و نماد شکرگزاری به درگاه اهورامزدا بوده و بنابراین از نوع شادی‌ها و خوشدلی‌های درونی و انفسی بوده‌اند. اما عید نوروز در اساس مبنای فلسفی داشته و نماد چرخش روزگار، گردش فصل‌ها و آغاز بهار، رستاخیز طبیعت، حرکت و حیات بوده و در شمار شادی‌های بیرونی و آفاقی قرار داشته است.

آنچه از برخی احادیث برداشت می شود این است که بین شاد کردن مؤمن و پاداش بهشت، رابطه معناداری وجود دارد و خداوند برای کسانی که موجبات فرح و شادی بندگانش را فراهم می آورند، امتیاز ویژه‌ای قائل است (زینی ملک‌آباد و نیل‌ساز، ۱۳۹۰: ۵۳). هم‌چنین در احادیث و روایات، به موارد متعددی برمی خوریم که به شادی و نشاط توصیه شده است و در تقسیم‌بندی اوقات و نظم روزانه‌ای که پیشوایان معصوم (ع) توصیه کرده‌اند، مسرت و شادی جایگاه ویژه‌ای دارد.

اما نکته مهم اینجاست که براساس هدف و فرجام زندگی، شادی و نشاط از دید اسلام دارای حد و مرز است. محتوا و قالب شادی و نشاط و عوامل آن نباید با روح توحیدی و انسانی که دین اسلام مطرح کرده است، در تضاد و تنافی باشد. یعنی شادی به صورت مطلق مورد نهی خداوند نیست، بلکه آن نوع شادی کردنی مذموم است که موجب برانگیختن انسان در برابر خدا و انحراف از صراط مستقیم شود. هم‌چنین نشاط و شادی کردنی که موجب آزار و اذیت دیگران شده و حقوق آنها را پایمال کند و یا این که با مسخره کردن و دست انداختن دیگران همراه باشد، از دید اسلام ناپسند است و باید از آن اجتناب کرد.

هم‌چنین در قرآن کریم و روایات و احادیث به موارد و عواملی اشاره شده است که موجب نزدیک شدن به شادی پایدار می شوند. این عوامل عبارتند از: ایمان، بینش صحیح نسبت به حوادث جهان و رضایت‌مندی.

بنابراین، در مجموع می توان گفت که اسلام نیز دین نشاط و شادی است و اصل قضیه شادی کردن و با نشاط بودن را نه تنها نهی نکرده که بر آن تأکید نیز داشته و برای ارتقای آن راهکارهای عملی نیز ارائه داده است.

نتیجه نهایی این که شادی و نشاط هم در فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و هم در آموزه‌های اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به‌علاوه، در تمامی دوره‌های تاریخی، نشاط در اشکال و نموده‌های گوناگون خود، یکی از مؤلفه‌های اصلی و همیشگی روحيات و هویت ایرانی بوده است.

مبانی نظری

دیدگاه‌های نظری متعددی در باب نشاط و شادمانی اجتماعی وجود دارد. نشاط اجتماعی مسئله‌ای است که هم مورد توجه علم روان‌شناسی است و هم علم جامعه‌شناسی. بنابراین، با تنوع وسیعی از نظریه‌های مطرح در این زمینه روبرو هستیم. اما گستردگی و تنوع نظریه‌های روان‌شناسی در خصوص شادی بیشتر از نظریه‌های جامعه‌شناسی است و حتی در پژوهش‌های تجربی نیز روان‌شناسان بیشتر از جامعه‌شناسان در باب نشاط و شادی اهتمام ورزیده‌اند. در این نوشتار از بررسی نظریه‌های روان‌شناسانه خودداری کرده و تمرکز خود را به نظریه‌های جامعه‌شناختی معطوف می‌کنیم.

زیمل از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسئله شادی توجه داشته است. از نظر زیمل، شادی یک حالت کلی ذهن است که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد (زینگرل، ۲۰۰۰: ۴۶۶). موضع زیمل در برابر شادی موضعی دوگانه است. از سویی نشاط را به‌عنوان یک هدف می‌نگرد که آدمی به دنبال آن است، از سویی دیگر شادی را کیفیت عمل و حالتی از ذهن می‌بیند که فرد در ارتباط با خودش دارد.

در اندیشه گیدنز، اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و سپردن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، دگردیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب از جمله مهم‌ترین عوامل تأمین‌کننده نشاط و شادمانی هستند. اما آن بعد از اندیشه گیدنز که در اینجا بیشتر مد نظر قرار دارد، دیدگاه‌های وی در خصوص اعتماد و امنیت هستی‌شناختی است. در توضیح این مسئله می‌توان گفت که:

گیدنز، جامعه را به مثابه کردارهایی در نظر می‌گیرد که در طول زمان و مکان رخ می‌دهند. از دید وی بسیاری از کنش‌ها و کنش‌های متقابلی که کردارهای اجتماعی را می‌سازند، بواسطه روابط اعتماد با هم پیوند می‌خورند (کاسپرسن، ۲۰۰۰: ۹۸). به نظر گیدنز، گذار جوامع از سنت به مدرنیته منجر به دگرگونی خاصیت اعتماد شده است.

در جوامع سنتی، چهار زمینه محلی اعتماد وجود داشت که موجب تقویت امنیت هستی‌شناختی و جلوگیری از هراس می‌شدند که عبارتند از: روابط خویشاوندی، اجتماع محلی، کیهان‌شناسی‌های مذهبی و سنت (گیدنز، ۱۳۸۰). اما با پیدایش جامعه مدرن این محیط‌ها به نحوی اساسی دگرگون شده‌اند، چرا که ساختار اساسی سرمایه‌داری، از چندین نظام انتزاعی تشکیل شده است که لازمه عملکرد و کارایی آنها اعتماد عاملان است. به‌عنوان مثال اگر هر کدام از ما به عملکرد نظام‌هایی مانند بهداشت و درمان، حمل و نقل، نظام بانکی و بیمه اعتماد نداشته باشیم و با آنها وارد تعامل نشویم، (فرضاً اگر همه ما پول‌های خود را به جای بانک در خانه نگهداری کنیم)، ادامه کار این نظام‌ها دچار اختلال می‌شود.

اما از طرفی، اعتماد رابطه‌ای تنگاتنگ با امنیت هستی‌شناختی دارد. امنیت هستی‌شناختی، به‌طور خلاصه، یعنی اعتماد و اطمینان از روالمند بودن امور و استمرار وضعیت عادی و مرسوم زندگی روزمره. امنیت هستی‌شناختی به این معناست که: حتی در پس عادی‌ترین و پیش‌پاافتاده‌ترین امور زندگی روزمره، آشوب و هرج و مرجی نهفته است که اگر کنشگران بخواهند به آن فکر کنند از ادامه فعالیت ناتوان می‌شوند. بنابراین، لازمه استمرار جریان عادی زندگی، سرپوش‌گذاری بر این خطرات بالقوه و اطمینان خاطر از عادی بودن جریان امور است. فرد با دادن این وعده به خود که «همه چیز رو به راه است و مشکلی پیش نخواهد آمد» می‌تواند به روال عادی زندگی و فعالیت‌های خود ادامه دهد.

در جوامع سنتی، روابط اعتماد مستقیم و بی‌واسطه‌اند، یعنی اعتماد به افراد و دیگرانی است که در حضور فرد قرار دارند. اطمینان فرد از استمرار روال عادی همین روابط رو در رو (مثلاً عدم خیانت نزدیکان) امنیت هستی‌شناختی فرد را حفظ و نگهداری می‌کند. اما در مدرنیته این اعتماد به نظام‌های انتزاعی است. فرد تنها در صورتی می‌تواند امنیت وجودی خود را حفظ کند، یعنی از ادامه روال عادی زندگی اطمینان حاصل کند که احساس کند نظام‌های انتزاعی دخیل در زندگی او روال عادی خود را طی خواهند کرد (کاسپرسن، ۲۰۰۰: ۹۶).

حفظ امنیت هستی‌شناختی، از جنبه‌ای دیگر، مستلزم پاسخ دادن به پرسش‌های وجودی است. امنیت هستی‌شناختی، از این منظر، منوط به آن است که فرد در سطح ناخودآگاه و خودآگاه عملی، برای بعضی از بنیادی‌ترین پرسش‌های وجودی پاسخ‌هایی در اختیار داشته باشد. این پرسش‌های بنیادین چهار دسته‌اند: پرسش‌های مربوط به

هستی (و جامعه بخشی از این هستی است)، پرسش‌های مربوط به فناپذیری (متناهی بودن آدمی در قیاس با نامتناهی بودن زمان)، پرسش‌های مربوط به دیگران (تعاملات اجتماعی و اعتماد) و پرسش‌های مربوط به خود (self) یعنی مسائل مربوط به هویت شخصی، بازندیشی و بدن (گیدنز، ۱۳۸۷).

در صورتی که فرد (کنشگر) پاسخ‌هایی منسجم و قانع‌کننده برای این پرسش‌ها نداشته باشد، با اضطراب و ناامنی روبرو شده و امنیت هستی‌شناختی وی متزلزل می‌شود. این ناامنی پیامدهای متعددی به دنبال دارد، از جمله این که، کنشگر از دستیابی به استنباطی پایدار از زنده بودن خود عاجز می‌ماند، در حاله‌ای از نگرانی فراموش شدن و اضطراب از یاد رفتن به سر خواهد برد، و نهایتاً این که، ترس از مشکلات داشته و هراس آن را دارد که زیر فشار رویدادهای خاص در هم شکند.

نتیجه این مسئله می‌تواند اندوه، هراس و اضطراب جانکاهی باشد که فرد را از خود غرق کرده و با سلب آرامش و اطمینان خاطر وی، زمینه‌های شادمانی و نشاط را از بین می‌برد. پس می‌توان گفت که از دید گیدنز، مسئله‌ای که بیش از هر چیزی با نشاط اجتماعی ارتباط دارد و می‌تواند موجب افزایش یا کاهش آن شود، در وهله اول، امنیت هستی‌شناختی است.

در ارتباط با دیدگاه گیدنز می‌توان گفت که تغییرات متعدد در زمینه‌های مختلف در دهه‌های گذشته موجب تضعیف زمینه‌های محلی و سنتی اعتماد شده‌اند. از طرفی، جایگزین‌های مناسبی برای این زمینه‌ها بوجود نیامده است و نهادهای حمایتی شکل نگرفته و یا بسیار ضعیف هستند. به عنوان مثال ساختارهای خویشاوندی در ایران در حال تضعیف شدن است. این تضعیف در دهه‌های گذشته در اثر دگرگونی در ارزش‌ها و سبک‌های زندگی بوجود آمده و در حال حاضر نیز کاهش جمعیت و بعد خانوار (که خود می‌تواند معلول همان تغییرات در ارزش‌ها و سبک‌های زندگی باشد) بر این مسئله تأثیرگذار است و به ویژه احتمال دارد که در آینده چالش‌های بیشتری نیز به دنبال داشته باشد. مثلاً کاهش بعد خانوار موجب رشد خانواده‌های تک‌فرزندی شده است که این مسئله بسیاری از نسبت‌های فامیلی (خاله، دایی، عمه و عمو و مشتقات آنها) را در سال‌های آینده از بین خواهد برد. یعنی زمینه‌های محلی و سنتی اعتماد در حال تضعیف شدن هستند و جایگزین‌های مناسبی نیز برای آنها شکل نگرفته است. این مسئله می‌تواند موجب کاهش میزان نشاط اجتماعی شود.

سیری در مطالعات جامعه‌شناسی تاریخی ایرن نیز ممکن است بتواند ایده‌هایی را در

اختیار ما قرار دهد. در مطالعاتی که در جامعه‌شناسی تاریخی ایران صورت گرفته است، البته اشاره مستقیمی به مسئله نشاط اجتماعی نشده است، اما کلان بودن سطوح تحلیل در این مطالعات امکان استخراج ایده‌هایی از آنها را برای بررسی مسئله نشاط بوجود آورده است. به‌طور کلی، در آثار متعارف جامعه‌شناسی تاریخی ایران، برای تحلیل مسائل مختلف یا از مفهوم پاتریمونیالیسم مدد گرفته شده و بر عامل سیاسی تأکید شده است و یا با الهام از مفهوم شیوه تولید آسیایی، عامل اقتصادی برجسته گردیده است.

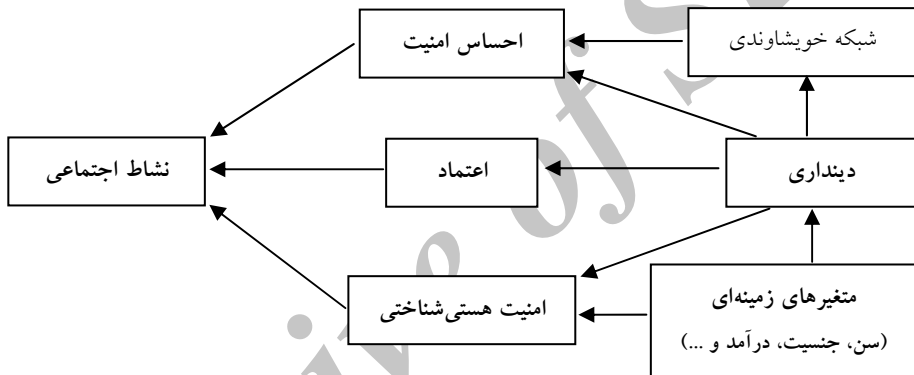
کاتوزیان (۱۳۸۵: ۳۲) با الهام از نظریه شیوه تولید آسیایی، معتقد است که جامعه ایران، در اثر فقدان چارچوب حقوقی پابرجا و مستمر، جامعه‌ای کوتاه‌مدت است. در نتیجه، دارایی، ثروت و جایگاه اجتماعی عمر کوتاهی داشته‌اند و حقوق اجتماعی پدیده‌ای ذاتی و غیرقابل نقض نبوده، بلکه جزو امتیازات شخصی قلمداد می‌شده است. پیران با اخذ عناصری از هر دو مفهوم شیوه تولید آسیایی و پاتریمونیالیسم، در تحلیل‌های خود بر همزیستی شیوه‌های تولید شهری، روستایی و ایلی تأکید کرده و معتقد است که این همزیستی با پذیرش نظام سیاسی خودکامه و مستبد، موجب ایستایی و عدم پویایی ساختار سیاسی جامعه ایران در اعصار گذشته بوده است، هر چند که ساختار اقتصادی جامعه ایران پویا بوده است. نتیجه این ساختار، گرایش به قوانین سرکوب‌گرانه با کاربرد خشن زور و ایجاد جو ترس و ترور، عدم گرایش به قوانین بازدارنده و بازسازنده، قدرت‌طلبی و بی‌اعتنایی به قانون بوده است (پیران، ۱۳۷۶ و نیز، پیروز، ۱۳۷۱)، وضعیتی که می‌توان نتیجه آن را فقدان نشاط اجتماعی و تحکیم نهادهای عزاداری دانست.

در مجموع، می‌توان گفت که در نظریه‌های جامعه‌شناسی تاریخی ایران، عامل محوری مسئله امنیت و ناامنی است. در تحلیل کاتوزیان، فقدان چارچوب حقوقی مدون و تخطی‌ناپذیر که حافظ جان و مال مردم باشد موجب کوتاه‌مدت بودن جامعه و رواج گسترده ناامنی در عرصه‌های مختلف گردیده است. در دیدگاه پیران نیز شرایط اقلیمی و ژئوپولیتیکی ایران در طول تاریخ شیوه‌هایی از معیشت را ایجاد می‌نموده است که لازمه آن وجود یک حکومت مقتدر و مستبد و برقراری امنیت بوده و کنشگر ایرانی آگاهانه قدرت استبدادی را در قبال تأمین امنیت برگزیده است. اما این گزینش خواهان‌خواه پیامدهایی به دنبال داشته است که از مهم‌ترین آنها تحکیم گریزناپذیر پایه‌های استبداد و در نتیجه دست‌درازی به حقوق مردم بوده است؛ دست‌درازی که

خود اشکال جدیدی از ناامنی را دامن می‌زده است. نتیجه اجتناب‌ناپذیر ناامنی و هراس و اضطراب گسترده، فقدان نشاط اجتماعی است.

چارچوب نظری تحقیق حاضر ترکیبی است از رویکردهای مختلف به مسئله نشاط اجتماعی. متغیر وابسته تحقیق، نشاط اجتماعی، براساس ابزار استاندارد آکسفورد اندازه‌گیری شده است که در آن نشاط (شادی) به سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی تقسیم شده و برای هر کدام از آنها گویه‌های مشخصی طراحی شده است. متغیرهای مستقل تحقیق نیز عبارتند از اعتماد، امنیت هستی‌شناختی، شبکه روابط خویشاوندی، احساس امنیت و دینداری.

با توجه به این مباحث می‌توان مدل نظری تحقیق را به صورت زیر ترسیم کرد:



متناسب با هر کدام از این متغیرها، فرضیه‌های تحقیق تدوین شده‌اند.

روش‌شناسی تحقیق

تعریف نظری و عملیاتی متغیرها

نشاط (شادی) اجتماعی: یک وضعیت روانی مثبت که توأم با خوشنودی و رضایت‌مندی است. به عبارتی، شادی را می‌توان رضایت‌مندی اجتماعی، روانی و جسمانی، یا رضایت‌مندی از جریان زندگی تعریف کرد (لو، ۲۰۰۱؛ به نقل از ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۲). برای تعریف عملیاتی نشاط اجتماعی، از پرسشنامه شادی آکسفورد استفاده شده که نشاط را به سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی تقسیم کرده و اتفاق نظر بر این است که این تقسیم‌بندی جامعیت دارد. هر کدام از این ابعاد دارای مؤلفه‌هایی هستند: بعد احساسی (احساس خوشحالی، امیدواری نسبت به آینده، خوش‌بینی به وقایع

اطراف، دلگرم بودن به زندگی)، بعد شناختی (احساس رضایت از وضعیت کنونی در قیاس با گذشته و وضعیت ایده‌آل، احساس رضایت از بخش‌های مختلف زندگی مانند شغل، تحصیل، خانواده)، بعد اجتماعی (تمایل به داشتن روابط اجتماعی با دیگران، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، شوخ‌طبعی). برای هر کدام از این ابعاد گویه‌های چندگانه‌ای در قالب طیف لیکرت طراحی شده است.

اعتماد اجتماعی: اعتماد در ادبیات جامعه‌شناسی به سه بعد بین شخصی، تعمیم یافته و نهادی تقسیم شده است. اما در تحقیق حاضر، فقط بعد نهادی (میزان اعتماد فرد به گروه‌های مختلف اجتماعی) مد نظر قرار گرفته است.

امنیت هستی‌شناختی: حالتی که در آن افراد با فعالیت‌های خود، محیط پیرامون و دیگرانی که با آنها در تعامل هستند، احساس راحت بودن و اعتماد داشته و درک روشن و تعریف شده‌ای از آنها دارند. برای سنجش عملیاتی این متغیر از پرسش‌های وجودی گیدنز استفاده کرده‌ایم که چهار دسته‌اند: پرسش‌های مربوط به نفس هستی (و جامعه به‌عنوان هستی اجتماعی)، پرسش‌های مربوط به فناپذیری (که آینده در این دسته قرار می‌گیرد)، پرسش‌های مربوط به دیگران (که مهم‌ترین مسئله در اینجا اعتماد در روابط اجتماعی است) و پرسش‌های مربوط به هویت شخصی. متناسب با این ابعاد، پرسش‌هایی را در پرسشنامه مطرح کرده‌ایم.

شبکه خویشاوندی: میزان و گستره روابط خویشاوندی افراد و در واقع حجم روابط و تعاملات افراد در درون شبکه‌ای از روابط نسبتاً پایدار است. برای سنجش این متغیر کمیت شبکه خویشاوندی (تعداد اعضای خانواده و خویشاوندان نزدیک) و گستره روابط خویشاوندی (میزان رابطه افراد با اعضای شبکه خویشاوندی) را مد نظر قرار داده‌ایم.

احساس امنیت: احساس اطمینان از روال مند بودن امور و به سامانی اوضاع است. احساس امنیت در اینجا به سه بعد جانی (احساس امنیت در منزل، کوچه‌های خلوت، محله زندگی)، مالی (خالی گذاشتن منزل بدون نگهبان، حمل پول در کوچه و خیابان) و عمومی (احساس امنیت در مکان‌های عمومی، پارک‌ها، مجالس و تجمعات) تقسیم شده و برای هر کدام از آنها گویه‌هایی در نظر گرفته شده است.

دینداری: دینداری به رفتار دینی در قبال باورها و اعتقادات اشاره دارد. این مفهوم بیانگر کیفیت رفتاری است که شخص دیندار با آن تعریف می‌شود (غلام‌زاده بهبهانی، ۱۳۸۵: ۳۷؛ سراج‌زاده، ۱۳۸۴: ۶۳). دینداری به تبعیت از مدل گلارک و استارک که

شناخته شده‌ترین سنجه دینداری است، به چهار بعد: اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدیتقسیم شده است.

متغیرهای زمینه‌های: سن، جنسیت (مرد یا زن بودن)، اصالت (تهرانی یا شهرستانی بودن)، مقطع تحصیلی (مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری) و درآمد (مبلغی که فرد در یک ماه از محل کاری که انجام می‌دهد، دریافت می‌کند) متغیرهای زمینه‌ای تحقیق هستند.

روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، روش پیمایش است و داده‌ها با استفاده از ابزار پرسشنامه گردآوری شده‌اند. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه دانشجویان دختر و پسر دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی هستند که در نیمسال دوم تحصیلی ۹۲-۱۳۹۱ در این دانشکده مشغول به تحصیل بوده‌اند. ۱۷۰ نفر از دانشجویان این دانشکده با استفاده از روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب (براساس مقطع تحصیلی و جنسیت) به‌عنوان نمونه انتخاب شده‌اند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار Spss و آزمون‌های آماری دومتغیره و چندمتغیره تحلیل شده‌اند. برای بررسی اعتبار شاخص‌ها و سؤالات از شیوه‌های اعتبار محتوا و سازه‌ای استفاده شده است. برای سنجش پایایی شاخص‌ها نیز از آلفای کرونباخ استفاده کرده ایم که مقدار آن برای تمامی متغیرها بالای ۰/۷ و قابل قبول است.

یافته‌های تحقیق

دامنه سنی پاسخگویان بین ۱۸ تا ۴۲ سال در نوسان بوده و میانگین آن ۲۳/۴ سال است. ۶۰/۱ درصد از پاسخگویان زن و ۳۹/۹ درصد مرد بوده و ۸۹/۴ درصد آنها مجرد و ۱۰/۶ درصد نیز متأهل بوده‌اند. ۵۸/۸ درصد از پاسخگویان در مقطع کارشناسی، ۳۱/۸ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۹/۴ درصد در مقطع دکتری مشغول به تحصیل بوده‌اند. میزان درآمد ماهیانه (خانواده) پاسخگویان بین ۳۵۰ هزار تومان تا ۴ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان در نوسان بوده و میانگین آن ۱ میلیون و ۱۶۱ هزار تومان بوده است. میانه و نمای درآمد (خانواده) پاسخگویان هر دو ۱ میلیون تومان بوده‌اند.

جدول شماره ۱: توزیع درصدی پاسخگویان بر حسب متغیر وابسته و ابعاد آن

پایین	متوسط	بالا	جمع کل	میانگین از ۱ تا ۵
۳۵/۹	۳۴/۷	۲۹/۴	۱۰۰	۳/۱۳
۳۵/۳	۳۴/۱	۳۰/۶	۱۰۰	۲/۹۳
۳۷/۱	۳۹/۴	۲۳/۵	۱۰۰	۳/۱۹
۴۱/۸	۳۴/۷	۲۳/۵	۱۰۰	۳/۵۵
ارزیابی پاسخگویان از شاد بودن خود				
شادم	کمی شادم	اصلاً شاد نیستم	جمع	
۴۴/۷	۴۲/۴	۱۰/۶	۱۰۰	
ارزیابی پاسخگویان از میزان شادی دیگران				
خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۷/۱	۱۳/۵	۲۵/۹	۳۸/۲	۱۵/۳
جمع کل				۱۰۰

میزان نشاط اجتماعی در بین ۳۵/۹ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۳۴/۷ درصد در حد متوسط و ۲۹/۴ درصد در حد بالا بوده است. نشاط اجتماعی به سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی تقسیم شده است که نتایج آن در جدول قابل مشاهده است. هم‌چنین از پاسخگویان پرسیده‌ایم: با در نظر گرفتن همه جوانب، به لحاظ شاد بودن، خود را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ پاسخ‌های دانشجویان نمونه به این پرسش نشان می‌دهند که: در مجموع ۴۷/۱ درصد جمعیت نمونه خود را شاد و خیلی شاد تصور می‌کرده‌اند. ۴۲/۲ درصد اعلام داشته‌اند که کمی شاد هستند و ۱۰/۶ درصد نیز گفته‌اند که اصلاً شاد نیستند. سپس از آنها پرسیده‌ایم: به نظر شما، مردم جامعه ما تا چه حد شاد و بانشاط هستند؟ ۱۵/۳ درصد معتقد بوده‌اند که مردم جامعه ما خیلی شاد هستند و ۳۸/۲ درصد نیز آنها را شاد می‌دانسته‌اند. ۲۵/۹ درصد میزان نشاط و شادی را در جامعه متوسط می‌دانسته‌اند، ۱۳/۵ درصد کم و ۱/۷ درصد خیلی کم. یعنی در مجموع، ۵۳/۵ درصد از جمعیت نمونه بر این عقیده بوده‌اند که مردم جامعه ما شاد و خیلی شاد هستند و ۲۰/۶ درصد نیز مردم را به میزان کم و خیلی کم شاد می‌دانسته‌اند.

میزان دینداری، احساس امنیت، اعتماد اجتماعی، امنیت هستی‌شناختی و شبکه روابط خویشاوندی متغیرهای مستقل تحقیق حاضر هستند که در ادامه چگونگی توزیع آنها در بین جمعیت نمونه ارائه شده است:

میزان دینداری ۳۲/۴ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۳۴/۷ درصد در حد متوسط و ۳۲/۹ درصد در حد بالا است. میزان دینداری کل پاسخگویان و نیز دینداری

آنها در سه بعد اعتقادی، تجربی و پیامدی در حد متوسط و بالاتر قرار دارد، اما در بعد مناسکی میانگین دینداری آنها در مجموع پایین تر از حد متوسط است.

شبکه خویشاوندی ۳۵/۹ درصد از پاسخگویان در حد پایین بوده است. ۳۴/۱ درصد به میزان متوسط و ۳۰ درصد نیز به میزان بالا دارای شبکه خویشاوندی بوده‌اند. میزان اعتماد اجتماعی ۳۵/۳ درصد پاسخگویان در حد پائین، ۳۴/۱ درصد در حد متوسط و ۳۰/۶ درصد نیز در حد بالا بوده است. دامنه نمره اعتماد اجتماعی در بین پاسخگویان بین ۲ تا ۴۰ در نوسان بوده و میانگین آن ۲۳/۰۱ می‌باشد که از حد متوسط پایین تر است. میزان احساس امنیت در بین ۳۵/۹ درصد از پاسخگویان در حد پایین بوده است، ۳۴/۷ درصد در حد متوسط و ۲۹/۴ درصد در حد بالا. دامنه نمره احساس امنیت در بین جمعیت نمونه بین ۱۱ تا ۶۱ در نوسان بوده و میانگین آن ۳۳/۴ می‌باشد که اندکی از حد متوسط پایین تر است. امنیت هستی‌شناختی ۳۴/۷ درصد از پاسخگویان در حد پایین بوده است. ۳۳/۵ درصد در حد متوسط و ۳۱/۸ درصد به میزان بالا احساس امنیت هستی‌شناختی داشته‌اند. دامنه نمره امنیت هستی‌شناختی پاسخگویان بین ۶ تا ۲۸ در نوسان بوده و میانگین آن ۱۶/۸ می‌باشد. اگر میزان احساس امنیت هستی‌شناختی را در طیفی بین ۱ تا ۵ ترسیم کنیم، میانگین آن ۲/۸ خواهد بود که بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

تحلیل دو متغیره یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که: هر چقدر میزان دینداری افراد بیشتر بوده است، بر میزان نشاط اجتماعی و نیز شادی در دو بعد احساسی و شناختی افزوده شده است. هر چقدر میزان دینداری افراد در ابعاد چهارگانه اعتقادی، تجربی، مناسکی و پیامدی بالا رفته، میزان نشاط اجتماعی آنها نیز افزایش یافته است.

شبکه خویشاوندی تأثیری بر نشاط اجتماعی و ابعاد آن نداشته است. اما نتایج نشان می‌دهند که هرچقدر گستره روابط خویشاوندی افراد بیشتر بوده است، میزان نشاط اجتماعی آنها افزایش یافته است. بر این اساس، می‌توان گفت که حجم و کمیت شبکه روابط خویشاوندی، به خودی خود تأثیر معنی‌داری بر افزایش یا کاهش میزان نشاط ندارد. اما این که کیفیت روابط خویشاوندی چگونه باشد، متغیر مهمی در افزایش یا کاهش نشاط اجتماعی است. به عبارت دیگر، حتی اگر حجم شبکه خویشاوندی افراد زیاد باشد اما روابط و پیوندهای چندانی بین آنها برقرار نباشد، تأثیری بر میزان نشاط افراد نخواهد داشت، بلکه آنچه مهم است گستره و کیفیت روابط خویشاوندی است.

با افزایش میزان احساس امنیت عمومی بر میزان نشاط در دو بعد شناختی و اجتماعی افزوده شده است. با افزایش میزان احساس امنیت هستی‌شناختی افراد بر میزان

نشاط اجتماعی آنها افزوده می‌شود. هم‌چنین رابطه میان اعتماد اجتماعی با نشاط اجتماعی و هر سه بعد آن در جهت مثبت معنی‌دار بوده است.

رابطه میان درآمد و نشاط اجتماعی و نیز بعد شناختی آن در جهت مثبت معنی‌دار بوده‌اند، یعنی افزایش درآمد موجب افزایش نشاط اجتماعی و بعد شناختی آن می‌شود اما تأثیری در افزایش یا کاهش دو بعد احساسی و اجتماعی نشاط ندارد. البته، با تحلیل رگرسیونی مشخص شد که درآمد با ورود متغیرهای دیگر، تأثیر معنی‌دار خود را بر افزایش یا کاهش نشاط اجتماعی از دست می‌دهد. رابطه معنی‌داری بین سن پاسخگویان و میزان نشاط اجتماعی آنها مشاهده نشده است. اما از آنجایی که واریانس سنی پاسخگویان بالا نبوده است، یعنی به استثنای مواردی معدود، سن اکثریت پاسخگویان به هم نزدیک بوده است نمی‌توان با اطمینان چنین نتیجه‌ای را بیان کرد؛ چرا که ممکن است در میان گروه‌بندی‌های سنی بالا وضعیت متفاوت باشد.

هم‌چنین سایر نتایج تحقیق (که به منظور پرهیز از طولانی شدن مطلب از ارائه جداول مربوط به آنها خودداری شده است) نشان می‌دهند که میانگین نمره نشاط اجتماعی زنان ۷۳/۶۸ بوده و به میزان ۳/۶۷ نمره از میانگین نمره مردان (۷۰/۰۱) بیشتر بوده و این تفاوت به لحاظ آماری معنی‌دار ($\text{sig}=0/047$) است. در بعد اجتماعی نشاط، نمره مجردین به میزان ۱/۷ و به صورتی معنی‌دار از نمره متأهلین بیشتر است. اما تأثیر جنسیت و وضعیت تأهل در تحلیل رگرسیونی خنثی است. هم‌چنین میزان نشاط اجتماعی دانشجویان برحسب مقطع تحصیلی آنها با هم متفاوت است، بدین صورت که میزان نشاط دانشجویان مقطع دکتری بیشتر از دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی‌ارشد بوده و میزان نشاط دانشجویان مقطع کارشناسی‌ارشد از سایر دانشجویان کمتر است. این مسئله در خصوص دو بعد احساسی و شناختی نشاط نیز مصداق دارد. و بالاخره این‌که، میزان نشاط اجتماعی دانشجویان تهرانی و شهرستانی و نیز شادی آنها در دو بعد احساسی و شناختی تفاوت معنی‌داری با هم ندارد. اما در بعد اجتماعی، میزان شادی دانشجویان تهرانی از دانشجویان شهرستانی بیشتر است.

بنابراین، می‌توان گفت که متغیرهای سن، جنسیت، وضعیت تأهل و درآمد رابطه معنی‌داری با میزان نشاط اجتماعی پاسخگویان نداشته‌اند. این مسئله در وهله اول نشان می‌دهد که نشاط و شادکامی بیش از آن‌که مقوله‌ای روان‌شناختی و متأثر از ویژگی‌های فردی و جمعیت‌شناسانه باشد، امری اجتماعی و فرهنگی است و با متغیرهای کلان‌تر و عناصر بنیادی‌تر فرهنگ و نظام اجتماعی در ارتباط است. نتایج بسیاری از مطالعات

بین‌المللی نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کنند؛ به‌عنوان مثال، براساس روش برابری قدرت خرید، سنگاپور ۱۶/۴ برابر بیشتر از هند درآمد دارد اما نمره شادکامی دو کشور یکسان است. هم‌چنین بررسی رابطه درآمد و شادکامی در یک کشور و در طول زمان نیز کمتر رابطه مثبت را نشان می‌دهد. به‌عنوان مثال، در ایالات متحده، در طی سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۴۰، درآمد سرانه تقریباً سه برابر شده است، اما درصد افرادی که خودشان را خیلی شادتر از قبل ارزیابی می‌کنند، حدود ۳۰ درصد ثابت باقی مانده است. هم‌چنین از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۹۶، درآمد حقیقی در ژاپن بیش از ۵ برابر شده است، اما متوسط شادکامی ۵۹ درصد باقی مانده است. به‌علاوه، نتایج تحقیقات کمپیل و همکاران (۱۹۷۶) نشان می‌دهند که عواملی مانند درآمد، سن، جنسیت، نژاد، تحصیلات و وضعیت تأهل، روی هم رفته کمتر از ۲۰ درصد تغییرات شادکامی را توضیح می‌دهند. این در حالی است که مطالعات متعدد نشان داده‌اند که عواملی مانند ازدواج، سلامت، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی و اشتغال رابطه‌ای قوی با شادی دارند (عباسیان و نسرين دوست، ۱۳۹۱: ۲۶۲).

آن‌گونه که دیدیم رابطه درآمد و نشاط اجتماعی در تحلیل دومتغیره، رابطه‌ای مثبت و معنی‌دار است اما در تحلیل رگرسیونی از معادله کنار گذاشته شده است. یعنی، متغیر درآمد به تنهایی تأثیر مثبتی بر افزایش شادی دارد اما در تعامل و مقایسه با متغیرهای دیگر اثر آن از بین می‌رود. بر این اساس، شاید بتوان گفت که درآمد و افزایش آن فقط برای ثابت ماندن شادی و نشاط در سطح قبلی مهم است، اما ممکن است در افزایش نشاط تأثیر معنی‌داری نداشته باشد. هم‌چنین در تحلیل دومتغیره میزان نشاط زنان از مردان بیشتر بوده است اما این تفاوت با تحلیل رگرسیونی از بین رفته است. بنابراین متغیرهایی مانند جنسیت و درآمد در مقایسه با متغیرهای دیگر اثر خود بر شادی و نشاط را از دست داده‌اند.

جدول شماره ۲: تحلیل رگرسیونی: بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته

Sig.	t	ضرایب استاندارد		Model
		Beta	Std. Error	
۰	۳/۹۲۹	۰/۲۶۶	۰/۲۱۰	بعد پیامدی دینداری
۰	۳/۶۹۶	۰/۲۴۴	۰/۱۷۲	امنیت هستی‌شناختی
۰	۳/۸۰۰	۰/۲۵۰	۰/۱۰۶	اعتماد
۰/۰۰۸	۲/۶۸۲	۰/۱۷۴	۰/۳۰۷	گستره روابط
۰/۴۶	-۲/۰۱۵	-۰/۱۲۸	۰/۷۹۸	مقطع تحصیلی (کارشناسی ارشد)
۰/۶۱۷				R
۰/۳۸۰				R Square
۰/۳۶۱				Adjusted R Square

نتایج تحلیل رگرسیونی نشان می‌دهند که متغیرهای بعد پیامدی دینداری با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰، امنیت هستی‌شناختی با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰، اعتماد با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ و گستره روابط خویشاوندی با سطح اطمینان ۰/۰۰۱ در سطح اطمینان ۹۹ درصد و متغیر مقطع تحصیلی با سطح معنی‌داری ۰/۰۳۹ در سطح اطمینان ۹۵ درصد دارای معنی‌داری آماری هستند. تحلیل رگرسیون (که به شیوه گام به گام صورت گرفته و برای پرهیز از طولانی شدن مطلب تنها گام نهایی ارائه شده است) ۵ گام پیش رفته است. در گام اول، متغیر بعد پیامدی دینداری و در گام‌های بعدی به ترتیب امنیت هستی‌شناختی، اعتماد، گستره روابط خویشاوندی و مقطع تحصیلی وارد معادله رگرسیون شده‌اند. یعنی از میان متغیرهای تحقیق، متغیر بعد پیامدی دینداری بیشترین تأثیر را بر میزان نشاط اجتماعی پاسخگویان داشته است و بعد از آن به ترتیب متغیرهای امنیت هستی‌شناختی، اعتماد، گستره روابط خویشاوندی و مقطع تحصیلی بر میزان نشاط اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند. مقدار t_{2} ۰/۳۶۱ است و نشان می‌دهد که پنج متغیر دینداری (بعد پیامدی)، امنیت هستی‌شناختی، اعتماد، گستره روابط خویشاوندی و مقطع تحصیلی در مجموع حدود ۳۶ درصد از تغییرات متغیر وابسته یعنی نشاط اجتماعی را در بین دانشجویان نمونه تبیین می‌کنند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

متغیرهای دینداری (بعد پیامدی)، امنیت هستی‌شناختی، اعتماد و گستره روابط خویشاوندی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر شادی بوده و حدود ۳۶ درصد از تغییرات شادی را توضیح می‌دهند.

بعد پیامدی دینداری تأثیر نیرومندی بر نشاط اجتماعی داشته است. این بعد به پیامد رفتار و اعمال و اعتقادات دینی در زندگی روزمره راجع است. شاید بتوان گفت که عمیق‌ترین و قوی‌ترین نمود دینداری در بعد پیامدی متجلی می‌شود. باورهای مذهبی با تبیین همه جانبه‌ای که از حیات و مجموعه هستی برای دینداران فراهم می‌کنند و آرامش خاطری که برای معتقدان به همراه می‌آورند، بسیاری از احساسات منفی را از بین برده و روحیه نشاط و شادی را افزایش می‌دهند. آموزه‌های دینی با تأکید بر خواست و مشیت پروردگار، گذرا و فانی بودن زندگی (و به تبع مشکلات)، منع یاس و نومیدی و نسبت دادن آن به شیطان، امیدواری به رحمت و لطف خداوند و دهها آموزه عملی دیگر، علاوه بر آن‌که تحمل مشکلات را برای فرد مؤمن آسان می‌کنند،

همواره او را به آینده امیدوار و خوشبین نگه داشته و از این طریق نشاط و شادکامی او را افزایش می‌دهند. اما نمود عملی همه این آموزه‌ها در بعد پیامدی دینداری قابل مشاهده است.

اما دینداری بر متغیرهای امنیت هستی‌شناختی و اعتماد نیز تأثیرگذار است و از این طریق نیز موجب افزایش نشاط می‌شود. دین می‌تواند پاسخ‌هایی قطعی برای پرسش‌های وجودی فراهم کرده و امنیت وجودی فرد را افزایش دهد. به علاوه، فرد مؤمن و مذهبی به پیروی از تعالیم دینی همه مؤمنان را برادران و خانواده خود و در سطح کلان‌تر امت واحده در نظر می‌گیرد و به آنها اعتماد دارد. نتایج بسیاری از تحقیقات (انعام، ۱۳۸۱؛ پناهی و شایگان، ۱۳۸۶؛ افشانی و دیگران، ۱۳۸۹) رابطه مثبت بین دینداری و اعتماد اجتماعی را نشان می‌دهند. چنین اعتمادی روحیه نشاط و شادی را افزایش می‌دهد. دو متغیر امنیت هستی‌شناختی و اعتماد نیز رابطه معنی‌دار و مثبتی با نشاط اجتماعی داشته‌اند. این دو متغیر گرچه صیغه‌ای ذهنی دارند و حالت‌هایی روان‌شناسانه به شمار می‌روند، اما به‌طورکامل از شرایط اجتماعی و تجارب افراد در بطن زندگی اجتماعی تأثیر می‌پذیرند. به ویژه متغیر اعتماد علاوه بر تجربه‌های افراد، حتی از شرایط سیاسی و برنامه‌های رفاهی دولت نیز تأثیر می‌پذیرد. اما نتایج تحقیقات مختلف (پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، ۱۳۸۲؛ آزادارمکی و کمالی، ۱۳۸۳؛ عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶؛ شیانی، موسوی و مدنی قهفخوری، ۱۳۸۸؛ علی‌پور، زاهدی و شیانی، ۱۳۸۸) نشان می‌دهند که اعتماد اجتماعی در جامعه کنونی ما از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست. اگر در حد گمانه‌زنی‌های اولیه (با توجه به فقدان تحقیقات) این مسئله را در خصوص امنیت هستی‌شناختی نیز بپذیریم، آنگاه در تحلیل چرایی کمبود نشاط اجتماعی باید به این پرسش پاسخ دهیم که چرا امنیت هستی‌شناختی و اعتماد در جامعه ما پایین است؟

در پاسخ به این مسئله، در کلان‌ترین سطح تحلیل، باید به فرآیند توسعه و نحوه مدیریت این فرآیند رجوع کرد؛ فرآیندی که شاید بتوان آن را توسعه بدقواره و ناموزون نامید. فرآیند توسعه و مدرنیزاسیون که از دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ در ایران، به صورت جدی آغاز شده است، با تأکید یکجانبه بر جنبه‌های مادی و سخت‌افزاری توسعه پیامدهای متعددی را به دنبال داشته است. مهم‌ترین این پیامدها که بیشترین تغییرات را در بافت فرهنگی و سازماندهی اجتماعی و روابط و پیوندهای اجتماعی به وجود آورده است، رشد و گسترش شهرنشینی است. البته بلافاصله باید اضافه نمود که مشکل نه نفس پدیده شهرنشینی بلکه پیامدها و آثار برنامه‌ریزی نشده آن است.

گسترش شهری در دههای اخیر، پیوندهای خویشاوندی را به عنوان چارچوب سازمان دهنده روابط اجتماعی تحت تأثیر خود قرار داده است. هم‌چنین اجتماع محلی را که فضای شکل دهنده به محیط‌های آشنا به شمار رفته و نیز جهان‌شناسی مذهبی و سنت را به عنوان وسیله ارتباط حال و آینده دگرگون کرده است. این عوامل، در نظریه گیدنز، زمینه‌های محلی اعتماد و امنیت هستی‌شناختی به شمار می‌روند. مهاجرت‌های بی‌رویه و گسترش شهرنشینی در اثر توسعه ناموزون، پیامدهای متعددی را به دنبال داشته است: اول این که گسترش تصاعدی شهرها، گسترش زیرساخت‌های شهری و ارائه خدمات عمومی و برنامه‌ریزی‌های رفاهی را با مشکل مواجه ساخته است. این مسئله علاوه بر گسترش بدبینی عمومی و نارضایتی از دولت و کاهش اعتماد عمومی، موجب گسترش حاشیه‌های شهری و رشد فضایی ناموزون (تراکم بالا، کوچه‌های تاریک و بن‌بست، کمبود سرانه فضای سبز و...) شده که این مسئله به نوبه خود افزایش نرخ آسیب‌های اجتماعی و به دنبال آن کاهش احساس امنیت و در نهایت کاهش میزان اعتماد اجتماعی را به دنبال داشته است.

دوم، مهاجرت و گسترش شهرها، کمیت و کیفیت روابط خویشاوندی را تحت تأثیر قرار داده است. خانواده و روابط خویشاوندی یکی از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری اعتماد و احساس امنیت و از مهم‌ترین پشتوانه‌های حمایتی به شمار می‌روند. یکی از وجوه ناموزون بودن فرآیند توسعه و مدرنیزاسیون در جامعه ما این است که به موازات تغییرات رخ داده (مانند گسترش خانواده‌های هسته‌ای، کوچک شدن بعد خانوار، اشتغال زنان در خارج از خانه و...) نهادهای حمایتی جایگزین، از جمله نهادهای مدنی تقویت شده‌اند. بنابراین، خیل عظیمی از افرادی که از روستاها به شهرها یا از شهرهای کوچک به کلان شهرها مهاجرت کرده‌اند، از یک طرف بسیاری از روابط خویشاوندی و امنیت بخش خود را از دست داده و از طرفی در فقدان نهادهای مدنی و حمایت کننده، دچار نوعی سردرگمی می‌شوند. نتیجه این فرآیند بی‌سازمانی و فقدان همبستگی اجتماعی، احساس تنهایی و انزوا و بالاتر از آن، حس بی‌اعتمادی و فقدان امنیت است. بر این مبنای، اگر بخواهیم راهکاری برای افزایش نشاط اجتماعی ارائه دهیم، در کلی‌ترین سطح باید به تقویت مفهوم اجتماع و همبستگی و انسجام اجتماعی بپردازیم. برای این منظور، هر اقدامی که بتواند موجب افزایش سطح تعاملات اجتماعی شهروندان شود، مفید است. دامنه چنین اقداماتی می‌تواند از گسترش سرانه فضاهای سبز و کاربری‌های تفریحی و فراغتی در سطح شهرها تا برگزاری انواع گردهمایی‌ها و

جشن‌ها جمعی برای شهروندان در مناسبت‌های خاص (اعیاد ملی و مذهبی، تولد ائمه معصوم (ع)، ایام خاص مانند شب یلدا و...)، و در مکان‌های خاص، برگزاری مسابقات ورزشی و فعالیت‌های تفریحی عمومی و... در نوسان باشد. در خصوص جمعیت نمونه تحقیق حاضر، یعنی دانشجویان، نیز راهکارهای مشابهی قابل تصورند؛ به‌عنوان مثال برگزاری اردوهای تفریحی و زیارتی، بازدیدهای جمعی از مکان‌های تاریخی، فرهنگی، موزه‌ها و نیز برگزاری انواع مسابقات ورزشی و تفریحی.

منابع

- افشانی، سیدعلیرضا؛ فاضل نجف‌آبادی، سمیه؛ حیدری، محمد؛ نوریان نجف‌آبادی (۱۳۸۹)؛ «پژوهشی در باب رابطه دینداری و اعتماد اجتماعی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۴۹، صص ۲۱۸-۱۸۵.
- اکبرزاده، فاطمه (۱۳۹۰)؛ *بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر شادی جوانان شهر بابلسر*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران.
- انعام، راحله (۱۳۸۱)؛ *بررسی اعتماد بین شخصی در بین روستاهای نمونه شهرستان شهریار*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه الزهرا.
- آزادارمکی، تقی و کمالی، افسانه (۱۳۸۳)؛ «اعتماد، اجتماع و جنسیت»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۵، ش ۲، صص ۱۳۲-۱۰۰.
- باصری، احمد (۱۳۸۹)؛ *نقش توسعه شادی و نشاط در افزایش روحیه حماسی*، فصلنامه روان‌شناسی نظامی، س ۱، ش ۲، صص ۷۱-۶۱.
- بیکرمن، نئی (۱۳۸۴)؛ *علم در ایران و شرق باستان*، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، قطره.
- پناهی، محمدحسین و شایگان، فریبا (۱۳۸۶)؛ «اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ش ۳۷، صص ۱۰۸-۷۳.
- *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان* (۱۳۸۲)؛ موج دوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چلبی، مسعود و موسوی، سیدمحسن (۱۳۸۷)؛ «بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۹، ش ۱ و ۲، صص ۵۷-۳۴.
- دهقانی، حمید (۱۳۹۰)؛ *بررسی رابطه مشارکت اجتماعی و شادی در میان دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی.

- ربانی، رسول؛ ربانی، علی؛ عابدی، محمدرضا و گنجی، محمد (۱۳۸۶)؛ «فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، س ۳، ش ۸، صص ۷۸-۴۱.
- رستگارفسائی، منصور (۱۳۸۱)؛ *فردوسی و هویت‌شناسی ایرانی*، طرح نو.
- زینی ملک‌آباد، هادی و نیل‌ساز، نصرت (۱۳۹۰)؛ «جایگاه شادی و نشاط در قرآن و روایات»، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، س ۱، ش ۱، صص ۶۸-۵۰.
- سراج‌زاده، سیدحسین (۱۳۸۴)؛ *چالش‌های دین و مدرنیته، مباحثی جامعه‌شناختی در دینداری و سکولار شدن*، طرح نو، ج ۲.
- شیانی، ملیحه، موسوی، میرطاهر و مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۸۸)؛ «سرمایه اجتماعی جوانان در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۰، ش ۳، صص ۸۴-۵۷.
- عباسیان، عزت‌اله و نسرین‌دوست، میثم (۱۳۹۱)؛ *اقتصاد رفاه*، نور علم.
- عبداللهی، محمد و موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶)؛ «سرمایه اجتماعی در ایران؛ وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۶، ش ۲۵، صص ۲۳۴-۱۹۳.
- علی‌پور، پروین، زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)؛ «اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۰، ش ۲، صص ۱۳۵-۱۰۹.
- غلام‌زاده بهبهانی، شیرین (۱۳۸۵)؛ *دینداری موازی: مطالعه دلایل جامعه‌شناسانه پیدایش آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰)؛ *پیامدهای مدرنیته*، ترجمه محسن ثلاثی، نشر مرکز.
- ----- (۱۳۸۷)؛ *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در دوران معاصر*، ترجمه ناصر موفقیان، نی.
- هزارجریبی، جعفر و استین‌فشان، پروانه (۱۳۸۸)؛ «بررسی عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی (با تأکید بر استان تهران)»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۳۳، صص ۱۴۶-۱۱۹.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۸۹)؛ «بررسی مفهوم شادکامی اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی در استان مرکزی)»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، س ۲، ش ۳، صص ۷۲-۳۱.
- هزارجریبی، جعفر و صفری شالی، رضا (۱۳۹۱)؛ *آنانومی رفاه اجتماعی*، جامعه و فرهنگ.
- Kaspersen, Lars, Bo (2000); *Anthony Giddens, an introduction in a social theorist*, Blackwell publishers.
- Myers, D. G. (2002); *Happy & Healthy*. <<http://abclocal.g.com/68-wls/news/012802-hs-happyhealthy.html>.
- Paterson, C. (2000); *The future of optimism*, American Psychologist, 55(1), 44-55.
- Veenhoven, R. (1993); *Data book of happiness*, New York: Reidel publishing company.
- ----- (2006); *New direction in the study of happiness*, October 2006, www.weenhoven.fsw.eur.nl.
- Zingerle, A. (2000); Simmel on happiness, *journal of happiness studies*, No.1, pp: 465-477.